

بررسی تحلیلی وضعیت توسعه مؤسسات آموزش عالی غیردولتی -
غیرانتفاعی در طول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
جمهوری اسلامی ایران (۸۸-۱۳۸۴)

شاهین همایون آریا *

دکتر محمد یمنی دوزی سرخابی **

رحیم صفری فارفار ***

چکیده

افزایش تقاضا برای ورود به آموزش عالی، ضرورت تحقق آموزش برای همه و پاسخگویی به نیازهای جامعه و به ویژه محدودیت منابع مالی دولت، استفاده از منابع و امکانات بخش خصوصی را برای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی مشروعیت بخشید. این مهم با ایجاد و توسعه مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی به عنوان مشارکت بخش خصوصی در توسعه آموزش عالی کشور تحقق یافت. پژوهش حاضر درصدد است تا با در نظر گرفتن اسناد بالادستی از جمله مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و سند ملی توسعه آموزش عالی در برنامه چهارم توسعه، بررسی تحلیلی از وضعیت گسترش این مؤسسات در کشور به خصوص در طول برنامه چهارم توسعه ارائه کند و عملکرد وزارت علوم را در این راستا مورد ارزیابی قرار دهد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و نتایج آن نشان می‌دهد که به‌رغم تأسیس ۱۹۵ مؤسسه در طول برنامه چهارم (۸۸-۱۳۸۴) و فعالیت ۲۶۶ مؤسسه آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی در کشور، و دایر بودن بیش از ۱۸۰۰ رشته محل و ایجاد بیش از ۱۳۸ هزار ظرفیت پذیرش دانشجو در این مؤسسات، حدود نیمی از ظرفیت آنها به ویژه در مقاطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی پیوسته تکمیل نشده است. همچنین توزیع این مؤسسات در کشور بطور متوازن صورت نگرفته و تراکم در استانهای همجوار پایتخت به خصوص استانهای شمالی کشور به مراتب بیشتر از سایر استانها است.

واژگان کلیدی: مؤسسه آموزش عالی غیردولتی، قانون برنامه چهارم توسعه، سند ملی توسعه

* عضو هیأت علمی و دانشجوی دکتری تخصصی، برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی

** استاد دانشگاه شهید بهشتی

*** عضو هیأت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۶

مقدمه

دانشگاه‌ها به عنوان زیرنظام آموزش عالی در فرایند توسعه کشور، به عنوان مراکزی که به تربیت و آماده‌سازی نیروی انسانی کارآمد، شایسته و دارای مهارت، به منظور پاسخگویی به نیازهای اساسی جامعه در زمینه‌های مختلف می‌پردازند، نقش حیاتی و کلیدی را به عهده دارند (محمدی و همکاران، ۱۳۸۶). از این رو سرمایه‌گذاری در بخش آموزش عالی یکی از عوامل اساسی برای توسعه کشور در ابعاد مختلف بوده و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نیز یکی از ارکان مهم توسعه در هر کشور به شمار می‌آیند. با توجه به این مهم در دهه‌های اخیر، کشورهای در حال توسعه منابع مالی عظیمی را بر روی آموزش عالی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، به نحوی که در بیشتر کشورها، آموزش عالی سریع‌ترین رشد را نسبت به سایر بخشها داشته است. به عنوان مثال در سنگاپور سهم آموزش از هزینه‌های آموزش عالی از ۱۱۳۱ میلیون دلار در سال ۹۹-۱۹۹۸ به ۱۸۳۳ میلیون دلار در سال ۲۰۰۳-۲۰۰۲ افزایش یافته است. (جعفری، ۱۳۸۳).

شورای آموزش عالی در کشور ترکیه در سال ۲۰۰۰ میلادی، ۰/۸۳ درصد از تولید ناخالص ملی و ۲/۲۴ درصد از بودجه عمومی را در اختیار داشت درحالیکه این ارقام در سال ۲۰۰۲ میلادی به ترتیب به ۰/۸۸ درصد و ۲/۵۴ درصد افزایش یافته است (پروند و نورآذر، ۱۳۸۳). در کشور اندونزی، در شروع اجرای برنامه ۵ ساله اول (۱۹۶۹-۱۹۷۳م) حدود ۱۴۷ میلیارد روپیه به بودجه آموزش اختصاص یافت که این رقم در برنامه ششم توسعه (۱۹۹۴-۱۹۹۹م) به ۴/۶ تریلیون روپیه رسید (فاضلی، ۱۳۸۳). در کشور تونس در سال ۱۹۹۰ هزینه آموزش نسبت به تولید ناخالص ملی معادل ۶/۲ درصد بوده است که به رقم ۷/۷ درصد در سال ۱۹۹۷ افزایش یافته است (جاودانی، ۱۳۸۳). در کشور پاکستان بودجه اختصاص یافته به آموزش در سال ۱۹۹۰ میلادی برابر ۲/۱۳ درصد از تولید ناخالص ملی بوده که در سال ۱۹۹۷ رقم ۷/۶۵ درصد شده است (رشادت-جو، ۱۳۸۳). در کره جنوبی نیز بودجه وزارت آموزش و پرورش ۱۹/۲۵ درصد کل بودجه دولت است (حیدری عبدی، ۱۳۸۳).

علی‌رغم رشد سریع این بخش، به دلیل تقاضای فزاینده اجتماعی برای ورود به آموزش عالی و عدم تأمین منابع مالی کافی و مورد نیاز از سوی دولت‌ها این بخش با

بحران مواجه شده است، زیرا آموزش عالی در اکثر کشورها به منابع مالی دولت وابسته بوده^۱ و به دلیل محدودیت در منابع مالی بخش دولتی امکان توسعه آموزش عالی متناسب با تقاضای اجتماعی وجود نداشته است.

طی دهه‌های گذشته، تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی روند رو به رشدی داشته است؛ به گونه‌ای که طی سال‌های ۹۲-۱۹۹۰ تعداد کل دانشجویان جهان از ۶۸/۶ میلیون نفر به ۱۱۰/۷ میلیون نفر افزایش یافته است (سانیل و مارتین^۲، ۲۰۰۶).

طی سالهای اخیر در اکثر کشورهای در حال توسعه مانند کره جنوبی، ترکیه، اندونزی، فیلیپین و ... برای غلبه بر بحران عدم تامین منابع مالی کافی، راهکارهای متعددی از جمله سیاست متنوع کردن مؤسسات آموزش عالی و واگذاری بخشی از اختیارات دولت به بخش خصوصی و فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای توسعه فعالیت بخش خصوصی در حیطه آموزش عالی ارائه شده است.

در ایران نیز با توجه به پایین بودن میانگین سنی کشور، که بر اساس اطلاعات موجود در مرکز آمار ایران برابر ۲۳/۹ سال می‌باشد، همچنین جوان بودن جامعه، بطوریکه ۵۱ درصد از جمعیت کشور زیر ۲۵ سال و ۶۰ درصد اعضای جامعه زیر ۳۰ سال سن دارند^۳ و تقاضای فزاینده اجتماعی برای ورود به آموزش عالی، وجود بیش از یک میلیون و ۲۸۶ هزار داوطلب در آزمون سراسری سال ۱۳۸۹^۴ و محدودیت منابع و امکانات دولت، سیاست واگذاری بخشی از امور آموزش عالی به مردم و استفاده از مشارکت مردمی برای رشد کمی و کیفی آموزش عالی بوسیله تأسیس و فعالیت مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی (م آ ع غ غ) به کار گرفته شده است.

شاید بتوان مهم‌ترین انگیزه خصوصی‌سازی در آموزش عالی را از یک طرف عدم توان جذب آموزش عالی دولتی به دلیل افزایش جمعیت و افزایش تقاضای اجتماعی

۱. البته در اروپا، کانادا و امریکا، دانشگاه‌های برتر همواره از حمایت‌های مالی دولت‌ها، بر اساس ضوابط خاص برخوردار می‌باشند. (یمنی، ۱۳۸۷)

2. Sanyal & Martin

۳. آمار برگرفته از سایت مرکز آمار ایران سال ۱۳۸۸

۴. آمار برگرفته از سایت سازمان سنجش آموزش کشور سال ۱۳۸۹

جامعه برای آموزش عالی و از طرف دیگر گسترش و توسعه اقتصاد مبتنی بر دانش و اطلاعات دانست (صمیمی، حسینی و غلامی فرد ۱۳۸۷).

برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴) با رویکرد «توسعه مبتنی بر دانایی» به گسترش آموزش علوم و فناوری در کشور تأکید داشته است که در فصل چهارم برنامه به آن پرداخته شده است. سند ملی توسعه بخش آموزش عالی در برنامه چهارم توسعه به عنوان دستورالعمل اجرایی برنامه چهارم توسعه در بخش آموزش عالی در تیرماه سال ۱۳۸۴ توسط معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تدوین شده است که خط و مشی توسعه آموزش-عالی در طول برنامه چهارم توسعه بوده است. با توجه به محدودیت منابع مالی دولت برای سرمایه‌گذاری در توسعه آموزش عالی دولتی و تأکید برنامه چهارم در کوچک سازی و عدم گسترش دولت، بخشی از این سند بر استفاده از ظرفیتها و پتانسیل‌های بخش غیردولتی تأکید دارد. از این رو وزارت علوم اهتمام خاصی بر ایجاد و توسعه مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی (م آ ع غ غ) در طول برنامه چهارم داشته است. به طوری که، طبق این سند جمعیت دانشجوی شاغل به تحصیل در این مؤسسات می‌بایست از ۵۲ هزار نفر در سال ۱۳۸۳ (پایان برنامه سوم توسعه) به ۴۵۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۸ (پایان برنامه چهارم توسعه) افزایش یابد.

هدف این تحقیق بررسی روند توسعه م آ ع غ غ خصوصا در طول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۸۸-۱۳۸۴) و توصیف وضع موجود این مؤسسات در کشور می‌باشد. همچنین بررسی و مطالعه شاخص‌های کمی و کیفی این مؤسسات و تطبیق آن اسناد فرادستی است.

سؤالات اصلی آنست که آیا هدف کمی مندرج در سند برنامه چهارم توسعه یعنی رسیدن به رقم ۴۵۰۰۰۰ دانشجوی در پایان برنامه چهارم در این مؤسسات محقق شده است؟ در صورت عدم تحقق، چرا؟ آیا هدف مورد نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی از تفویض اختیار به وزارتین علوم و بهداشت مبنی بر صدور مجوز تاسیس این مؤسسات با اولویت دادن به مناطق و استان‌های محروم و همچنین توجه به سیاست بومی کردن دانشجو محقق شده است؟ در صورت عدم تحقق، چرا؟ آیا توسعه

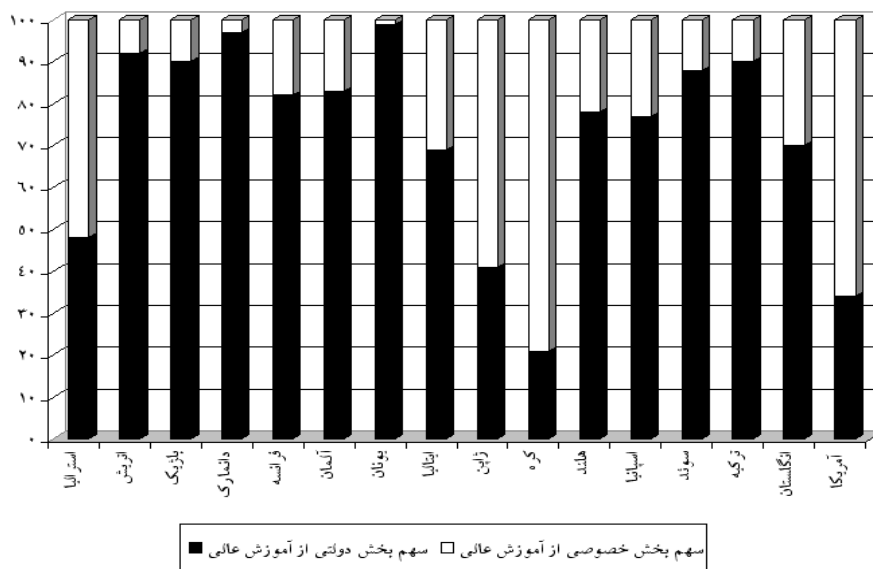
مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی در کشور بصورت متوازن انجام شده است؟ آیا برای ایجاد و توسعه آنها در کشور از الگوی خاصی استفاده شده است؟ وضعیت پذیرش دانشجو در این مؤسسات در مقاطع مختلف تحصیلی چگونه است؟ آیا از تمام ظرفیت‌های ایجاد شده در این مؤسسات به طور کامل استفاده می‌شود؟ توزیع دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی در این مؤسسات به چه صورت است؟

روش تحقیق این پژوهش توصیفی و مطالعه کتابخانه‌ای و اسناد بالادستی بوده و از روشهای تحلیلی برای بیان نتایج بکار گرفته شده است.

سال‌هاست که نهادهای مذهبی و مردمی به ایجاد دانشگاههای غیر انتفاعی اقدام کرده و با بودجه‌های خود خدمات آموزش عالی را در رشته‌های مورد علاقه ارائه می‌کنند. این دانشگاه‌ها اگرچه در چهارچوب مقررات و آئین‌نامه‌های حوزه آموزش عالی به فعالیت مشغول‌اند، اما به دلیل حفظ استقلال در سازوکار اداره مؤسسات خود هیچگونه کمک و یارانه‌های دولتی را نمی‌پذیرند. دانشگاه‌های آزاد و غیرانتفاعی در بیشتر کشورها، در حال توسعه‌اند و از نظر تأمین مالی به دولت وابسته نیستند. برخی از این دانشگاه‌ها، به نهادها و سازمان‌هایی وابسته‌اند و بعضی دیگر به صورت شعب دانشگاههای خارجی به فعالیت‌های آموزشی می‌پردازند. امروزه، ایالات متحده آمریکا، استرالیا، کانادا و انگلستان، به عنوان مثال، در کشورهای گوناگون دانشگاه‌هایی احداث کرده‌اند که به دولت میزبان هیچ‌گونه وابستگی مالی ندارد. کلیسای کاتولیک رم، در آسیا، آمریکای لاتین و برخی از کشورهای اروپایی دانشگاه‌هایی را تأسیس کرده است. بانک توسعه اسلامی در کشورهای نظیر مصر، اندونزی، مالزی و پاکستان دست به احداث مؤسسات آموزش عالی زده است. همه این دانشگاهها از نظر نهادی، غیرانتفاعی به‌شمار می‌آیند. مشارکت سازمان‌ها و نهادهای خارجی، دریافت کمک‌های مردمی به صورت زمین و ساختمان یا پول نقد و دریافت شهریه، منبع اصلی تأمین مالی این دانشگاه‌ها در بیشتر کشورهای جهان ظرف سی سال گذشته رشد قابل توجهی داشته‌اند (Sanyal, 2006) به نقل از عمادزاده (۱۳۸۷، ص ۱۱۹).

از مهمترین دلایل حضور بخش خصوصی در آموزش عالی می‌توان به کارایی بیشتر، کیفیت بالاتر، انعطاف‌پذیری بیشتر و مشارکت در هزینه‌های آموزش عالی اشاره کرد. (Barr, N., 2007).

نمودار (۱) سهم بخش دولتی و سهم بخش خصوصی در آموزش عالی در چند کشور (سال ۲۰۰۴)



(OECD,2007)

همانطور که در نمودار شماره ۱ دیده می‌شود در کشورهای پیشرفته‌ای مانند ایالات متحده، ژاپن و کره جنوبی سهم بخش خصوصی از آموزش عالی بیش از ۵۰ درصد می‌باشد. ولی اکثر کشورهای اروپایی خصوصاً کشورهای اسکاندیناوی مانند دانمارک، سوئد و همچنین تعداد زیادی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا نظیر فرانسه، آلمان، انگلستان، هلند، اسپانیا و اتریش سهم بخش دولتی از آموزش عالی بیش از ۷۰ درصد می‌باشد. دولت یونان با در اختیار داشتن بیش از ۹۵ درصد سهم آموزش عالی، بیشترین سهم را در میان سایر کشورهای اروپایی دارد.

بطور کلی کشورهای دارای نظام آموزش عالی خصوصی را می‌توان به چهار گروه عمده تقسیم کرد: ۱- کشورهای دارای اقتصاد صنعتی پیشرفته با نظام آموزش عالی گسترده مانند ژاپن. ۲- کشورهای دارای نظام آموزش عالی خصوصی وسیع با تکیه بر منابع مالی دولتی مانند هندوستان. ۳- کشورهای دارای نظام آموزش عالی خصوصی گسترده و در حال رشد مانند کشورهای شرق آسیا از جمله مالزی و تایلند. ۴-

کشورهای دارای نظام آموزش عالی خصوصی در حال رشد مانند چین و ویتنام. (کاظم‌نژاد و همکاران، ۱۳۷۶).

شورای عالی انقلاب فرهنگی بر اساس مصوبه شماره ۴۱، مورخ سالهای ۱۳۶۴/۷/۲۳ و با توجه به اهداف ذیل:

الف: ارتقاء سطح دانش و فرهنگ در جامعه؛ ب: تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور؛

ج: گسترش آموزش عالی در کشور به نحوی که بتواند پاسخگوی نیاز جامعه به کسب علم باشد؛

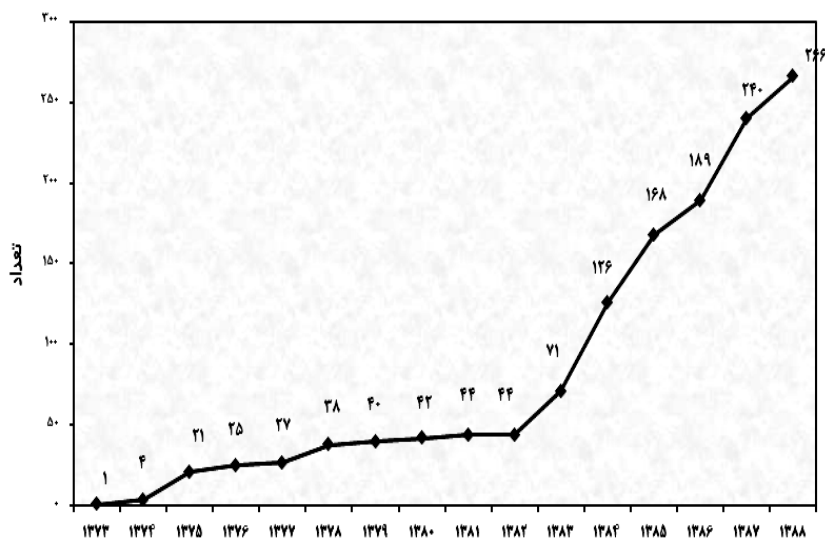
د: فراهم آمدن زمینه مناسب برای استفاده بهتر و بیشتر از وجود مدرسان و استادان جامعه در امر آموزش و همچنین سایر امکانات آموزشی موجود؛

د: ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت همه‌جانبه مردم در گسترش و اعتلای دانش و پژوهش در کشور؛

مجوز تأسیس مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی را صادر کرده است. همچنین این شورا بر اساس مصوبات جلسات ۱۵۲ و ۱۵۳ مورخ ۲۴ و ۶۷/۳/۳۱، کلیات تأسیس مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی (نوع دوم) را به تصویب رساند و بر اساس مصوبه ۳۳۵ مورخ ۷۳/۵/۱۸ اختیار لازم برای تأیید اعضای هیئت مؤسس، تصویب اساسنامه و صدور مجوز تأسیس مؤسسات آموزش عالی نوع دوم را به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تفویض نمود. تفاوت این مؤسسات نسبت به سایر مؤسسات آموزش عالی که نوع اول نامیده می‌شدند آن بود که این مؤسسات صرفاً می‌توانستند در دوره‌های معادل کاردانی و معادل کارشناسی اقدام به پذیرش دانشجو نمایند و به دانش‌آموختگان، گواهینامه داخلی که رسمیت نداشته و فاقد ارزش استخدامی بود اعطا کنند. در حالیکه مؤسسات آموزش عالی نوع اول مدرک رسمی مورد تأیید وزارت علوم را صادر می‌کردند. البته شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۳۵۸ مورخ ۷۶/۶/۱۲ و پس از لغو اعطای مدرک معادل، با حذف عنوان معادل از مدارک مؤسسات آموزش عالی نوع دوم موافقت به عمل آورد. از این‌رو مقرر شد که این مؤسسات برای ادامه فعالیت خود باید به نوع اول تبدیل شوند و هیئت ویژه‌ای نیز

از سوی این شورا وظیفه بررسی وضعیت مؤسسات آموزش عالی نوع دوم را عهده‌دار شد که پس از بررسی‌های انجام شده توسط این شورا تنها دو مؤسسه آموزش عالی نوع دوم سوره و جهاددانشگاهی شرایط لازم برای تبدیل شدن به نوع اول را کسب نمودند و شورای مذکور در مصوبه ۴۱۳ مورخ ۷۶/۱۱/۱۴ خود اعلام کرد که "در حال حاضر هیچ‌یک از مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی نوع دوم شرایط تبدیل شدن به نوع اول را ندارند" و بدین ترتیب از ادامه فعالیت آنها ممانعت به عمل آمد.

پس از آن تمامی م‌آع غ‌غ که با مجوز شورای عالی انقلاب فرهنگی و یا وزارت علوم تأسیس شده‌اند، از طریق آزمون سراسری و یا سایر آزمونهای تحت نظارت سازمان سنجش آموزش کشور دانشجو جذب می‌نمایند و مدارک اعطا شده به دانش-آموختگان این مؤسسات مورد تأیید وزارت علوم می‌باشد. همانطور که در نمودار شماره ۲ دیده می‌شود مجوز تأسیس این مؤسسات در کشور از سال ۱۳۷۳ آغاز و روند رو به رشدی به ویژه در ۵ سال اخیر داشته است و در پایان سال ۱۳۸۸ تعداد آنها به ۲۶۶ رسیده است.



نمودار (۲) روند تأسیس مؤسسات آموزش عالی غیردولتی- غیرانتفاعی در ایران

جدول (۱) تعداد مجوزهای صادر شده برای تأسیس مؤسسه آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی^۱

عنوان برنامه	اول	دوم	سوم	چهارم	جمع
	توسعه	توسعه	توسعه	توسعه	
بازه زمانی	(-۷۳)	(-۷۸)	(-۸۳)	(-۸۸)	
تعداد مجوزهای قطعی	۱	۳۷	۳۳	۱۹۵	۲۶۶

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول شماره ۱ تعداد مجوزهای صادر شده در طول برنامه چهارم توسعه رشد چشمگیری داشته است. بطوریکه تعداد این مؤسسات نسبت به برنامه‌های اول تا سوم ۲/۸ برابر افزایش یافته است که دلیل عمده آن نیز تکلیفی است که برنامه چهارم توسعه بر عهده دولت قرار داده و از طرفی تفویض اختیار صدور مجوز تأسیس این مؤسسات به وزارت علوم از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد.

یافته‌ها

تا پایان برنامه چهارم توسعه (سال ۱۳۸۸) تعداد ۲۶۶ م آ ع غ غ در کشور با مجوز شورای عالی انقلاب فرهنگی یا شورای گسترش آموزش عالی در حال فعالیت و جذب دانشجو می‌باشند. صدور مجوز برای تأسیس این مؤسسات برای اولین بار در سال ۱۳۷۳ آغاز شد و تا پایان برنامه سوم توسعه در مجموع ۷۱ مؤسسه در کشور دایر شد، به عبارت دیگر بطور متوسط تا پایان برنامه سوم در هر سال حدود ۷ مؤسسه مجوز فعالیت دریافت کرده‌اند. اما در طول برنامه چهارم این امر رشد سریع‌تری یافت، بطوریکه طی ۵ سال اخیر بطور متوسط سالانه ۳۹ مؤسسه ایجاد شده است که به تفکیک در جدول زیر آورده شده است.

۱. آمار برگرفته از کتاب آینه تلاش، گزارش فعالیت چهار ساله وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۸

جدول (۲) تعداد مجوزهای صادر شده برای تأسیس مؤسسه آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی^۱

سال	قبل از سال ۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	جمع
تعداد							
مجوزهای صادر شده	۷۱	۵۵	۴۳	۳۲	۵۱	۱۴	۲۶۶

همانطور که در جدول شماره ۲ دیده می‌شود بیش از ۷۳ درصد از م آ ع غ موجود، در طول برنامه چهارم توسعه یعنی پس از سال ۱۳۸۳ تأسیس شده‌اند. یکی از دلایل آن مصوبه جلسه ۵۴۶ مورخ ۱۳۸۳/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر واگذاری صدور مجوز تأسیس مؤسسات مذکور به وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با رعایت سیاست‌های ذیل بود:

۱. رعایت سیاست‌ها و ضوابط آموزش عالی کشور، ۲- تأکید بر سیاست بومی کردن گزینش دانشجوی، ۳- اولویت دادن به مناطق و استان‌های محروم، ۴- توجه بیشتر به احراز صلاحیت هیئت‌های مؤسس، ۵- توجه به ارتقاء توان نظارتی وزارتخانه‌های ذیربط در فرایند توسعه مؤسسات مزبور، ۶- تشویق مؤسسات آموزش عالی غیردولتی- غیرانتفاعی موفق، به تأسیس مؤسسه در استان‌های دارای اولویت، ۷- توجه به محدودیت‌های موجود در زمینه تأمین هیئت علمی مورد نیاز مؤسسات مزبور، ۸- فراهم ساختن زمینه‌های جذب و گزینش دانشجوی بومی در شهرهای محل سکونت یا شهرهای نزدیک، ۹- توجه به سیاست آسان بودن ورود به دانشگاه‌ها و خروج منظم و دشوار از آن، ۱۰- توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی استان‌ها و رشته‌های تحصیلی متناسب با آنها در فرایند توسعه م آ ع غ.

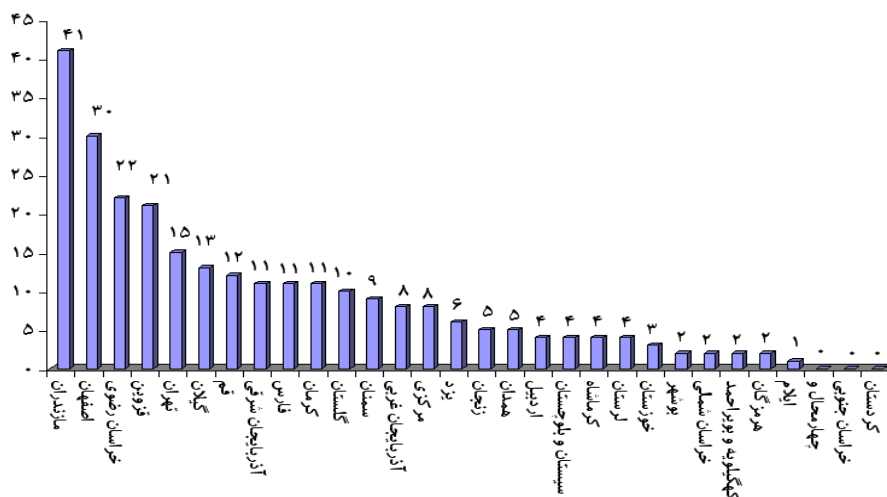
پس از این تفویض اختیار، وزارت علوم با تکیه بر سیاست‌های مذکور و به منظور فراهم نمودن زمینه‌های دسترسی آسان به آموزش عالی در کشور و جذب هر چه بیشتر

۱. آمار برگرفته از کتاب آیین تلاش، گزارش فعالیت چهار ساله وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۸

جوانان در این بخش، فرایند صدور مجوز قطعی برای تأسیس این مؤسسات تسریع نمود که این امر موجب شد تا در سالهای اخیر با رشد ۷۳ درصدی این مؤسسات در کشور مواجه شویم. در ادامه یافته‌ها و نتایج حاصل از ایجاد و توسعه مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی در کشور را از سه منظر: ۱- نحوه توزیع این مؤسسات در کشور، ۲- رشته محل‌های ایجاد شده و دایر در این مؤسسات و ۳- ظرفیت‌های ایجاد شده برای پذیرش دانشجو و تعداد دانشجوی شاغل به تحصیل مورد بررسی قرار دهیم.

۱. بررسی پراکندگی م آ ع غ در استان‌های کشور

در جدول شماره ۳ نحوه توزیع این مؤسسات در استان‌های مختلف کشور و همچنین جمعیت ساکن در هر استان و مساحت استان‌های کشور آورده شده است. همانطور که در این جدول دیده می‌شود استان مازندران با داشتن ۴۱ مؤسسه بیشترین تعداد مؤسسه را در خود جای داده است و پس از آن استان‌های اصفهان با ۳۰ مؤسسه، خراسان رضوی با ۲۲ مؤسسه، قزوین با ۲۱ مؤسسه و گیلان با ۱۳ مؤسسه قرار دارد و سه استان کشور یعنی استان‌های چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی و کردستان فاقد مؤسسه غیردولتی-غیرانتفاعی می‌باشد.



نمودار (۳) توزیع تعداد مؤسسات غیردولتی غیرانتفاعی به تفکیک استان در سال ۱۳۸۸

با توجه به نمودار شماره ۳ می‌توان نتیجه گرفت که در استان‌های شمالی کشور شامل استان‌های گیلان، مازندران و گلستان مجموعاً ۶۴ مؤسسه قرار دارد که معادل ۲۴ درصد از کل مؤسسات دایر است. این در حالی است که مجموع مساحت این ۳ استان معادل ۵۸۲۵۱ کیلومتر مربع می‌باشد که در مقایسه با مساحت کشور یعنی ۱۶۲۸۷۵۰ کیلومتر مربع، کمتر از ۳/۶ درصد از سطح کل کشور است. جمعیت ساکن در این ۳ استان در حدود ۷ میلیون نفر بوده که در مقایسه با جمعیت کل کشور یعنی حدود ۷۰ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر، کمتر از ۱۰ درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهد. پس می‌توان نتیجه گرفت که ۲۴ درصد از مؤسسات در کمتر از ۴ درصد مساحت کشور و برای کمتر از ۱۰ درصد جمعیت کشور دایر شده است. بر این اساس می‌توان پرسش‌های دیگری را مطرح کرد: آیا این تراکم بر اساس الگو و هدف خاصی در کشور انجام گرفته است؟ آیا توزیع این مؤسسات بر اساس آمایش سرزمین بوده است؟ آیا در این مناطق ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های خاصی برای جذب دانشجو وجود دارد؟ آیا امکان توزیع متناسب و همگن این مؤسسات در تمامی استان‌های کشور وجود دارد؟

با توجه به جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود که در استان تهران و سایر استان‌های همجوار آن شامل استان‌های شمالی به همراه استان‌های سمنان، قم و قزوین ۱۲۱ مؤسسه وجود دارد که حدود ۴۶ درصد از کل مؤسسات کشور را تشکیل می‌دهد. ولی مساحت کل این ۷ استان برابر ۲۰۱۶۴۹ کیلومتر مربع یعنی ۱۲/۵ درصد مساحت کل کشور و جمعیت آنها در حدود ۲۳ میلیون و ۱۵۰ هزار نفر است که معادل ۳۲ درصد جمعیت کل کشور می‌باشد. در نتیجه ۴۶ درصد از مؤسسات در کمتر از ۱۳ درصد مساحت کشور و برای ۳۲ درصد جمعیت کشور تأسیس شده است.

این امر در حالی صورت می‌گیرد که ۳ استان چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی و کردستان که ۹ درصد از مساحت کل کشور و ۵ درصد از جمعیت کشور را دربر دارد فاقد م‌آع غ غ است.

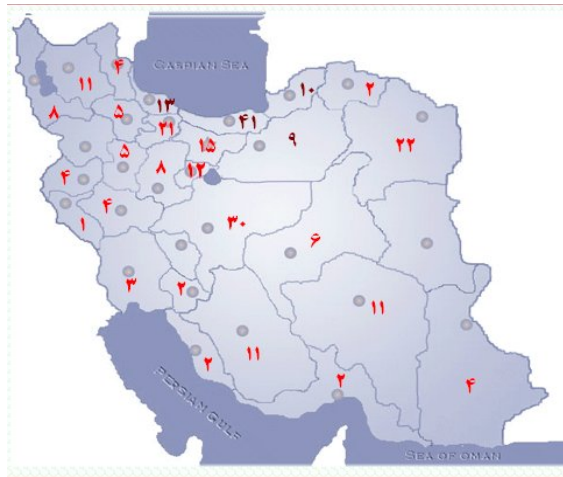
جدول (۳) تعداد م آ ع غ ، مساحت و جمعیت ساکن در استان‌های کشور^۱

ردیف	نام استان	تعداد مؤسسه	جمعیت استان	مساحت (کیلومتر مربع)	ردیف	نام استان	تعداد مؤسسه	جمعیت استان	مساحت (کیلومتر مربع)
۱	آذربایجان شرقی	۱۱	۳,۶۰۳,۴۵۶	۴۵,۶۵۰	۱۷	قزوین	۲۱	۱,۱۴۳,۲۰۰	۱۵,۵۶۷
۲	آذربایجان غربی	۸	۲,۱۷۳,۴۵۹	۳۷,۴۱۱	۱۸	قم	۱۲	۱,۰۴۶,۷۳۷	۱۱,۵۲۶
۳	اردبیل	۴	۱,۲۲۸,۱۵۵	۱۷,۸۰۰	۱۹	کردس تان	۰	۱,۴۴۰,۱۵۶	۲۹,۱۳۷
۴	اصفهان	۳۰	۴,۵۵۹,۲۵۶	۱۰۷,۰۲۹	۲۰	کرمان	۱۱	۲,۶۵۲,۴۱۳	۱۸۰,۷۲۶
۵	ایلام	۱	۵۴۵,۷۸۷	۲۰,۱۳۳	۲۱	کرمانشاه	۴	۱,۸۷۹,۳۸۵	۲۴,۹۹۸
۶	بوشهر	۲	۸۱۶,۲۶۷	۲۲,۷۴۳	۲۲	کهگیلویه و بویراحمد	۲	۶۳۴,۲۹۹	۱۵,۵۰۴
۷	تهران	۱۵	۱۳,۴۲۲,۳۶۶	۱۸,۸۱۴	۲۳	گلستان	۱۰	۱,۶۱۷,۰۸۷	۲۰,۳۶۷
۸	چهارمحال و بختیاری	۰	۸۵۷,۹۱۰	۱۶,۳۳۲	۲۴	گیلان	۱۳	۲,۴۰۴,۸۶۱	۱۴,۰۴۲
۹	خراسان جنوبی	۰	۶۳۶,۴۲۰	۹۵,۳۸۵	۲۵	لرستان	۴	۱,۷۱۶,۵۲۷	۲۸,۲۹۴
۱۰	خراسان رضوی	۲۲	۵,۵۹۳,۰۷۹	۱۱۸,۸۵۴	۲۶	مازندران	۴۱	۲,۹۲۲,۴۳۲	۲۳,۸۴۲
۱۱	خراسان شمالی	۲	۸۱۱,۵۷۲	۲۸,۴۳۴	۲۷	مرکزی	۸	۱,۳۵۱,۲۵۷	۲۹,۱۲۷
۱۲	خوزستان	۳	۴,۲۷۴,۹۷۹	۶۴,۰۵۵	۲۸	هرمزگان	۲	۱,۴۰۳,۶۷۴	۷۰,۶۹۷
۱۳	زنجان	۵	۹۶۴,۶۰۱	۲۱,۷۷۳	۲۹	همدان	۵	۱,۷۰۳,۲۶۷	۱۹,۳۶۸

۱. آمار برگرفته از سایت مرکز آمار ایران و کتاب آیینیه تلاش، ۱۳۸۸

۱۴	سمنان	۹	۵۸۹,۷۴۲	۹۷,۴۹۱	۳۰	یزد	۶	۹۹۰,۸۱۸	۱۲۹,۲۸۵
	سیستان								
	و								
۱۵	بلوچستان	۴	۲,۴۰۵,۷۴	۱۸۱,۷۵۸				۷۰۴۹۵۷	
	تان		۲			جمع	۲۶۶	۸۲	۱۶۲۸۱۷۵۰
۱۶	فارس	۱۱	۴,۳۳۶,۸						
			۷۸	۱۲۲,۶۰۸					

نمودار (۴) توزیع جغرافیایی مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی در استان‌های کشور در سال ۱۳۸۸



نمودار (۴) نشان می‌دهد که تراکم مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی در استان‌های شمالی کشور و سایر استان‌های همسایه استان تهران بیشتر از سایر استان‌ها است.

۲. بررسی رشته محل‌های دایر در مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی
در جدول شماره ۴ تعداد رشته محل‌های دایر در مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی در مقاطع مختلف تحصیلی در استان‌های مختلف کشور در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ آورده شده است. همانطور که در این جدول دیده می‌شود تعداد ۱۸۱۱ رشته

محل در مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی در سراسر کشور دایر می‌باشد. که از این تعداد ۵۸۳ رشته معادل ۳۲ درصد در مقطع کاردانی، ۳۸۶ رشته معادل ۲۱ درصد در مقطع کارشناسی پیوسته، ۷۰۴ رشته معادل ۳۹ درصد در مقطع کارشناسی ناپیوسته و ۱۳۸ رشته معادل ۸ درصد در تحصیلات تکمیلی می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت ۹۲ درصد از کل رشته‌های دایر در این مؤسسات در مقاطع کاردانی و کارشناسی است. از طرفی، با توجه به اینکه در کشور ۲۶۶ مؤسسه وجود دارد بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در هر مؤسسه بطور متوسط ۶/۸ (حدوداً ۷) رشته در مقاطع مختلف تحصیلی وجود دارد. در میان استان‌ها، استان مازندران با ۳۲۷ رشته محل دایر بیشترین فراوانی، و پس از آن استان‌های اصفهان با ۲۱۸ رشته محل، خراسان رضوی با ۱۹۰، قزوین ۱۵۲ و تهران با ۹۳ رشته محل در رتبه‌های بعدی قرار دارند. متوسط تعداد رشته محل‌های دایر در این استان‌ها نیز به ترتیب برابر ۸/۲۲، ۷/۲۷، ۸/۶۴، ۷/۲۴ و ۶/۲ می‌باشد. استان هرمزگان با ۴ رشته محل دایر و استان‌های بوشهر و خراسان شمالی با ۶ و ۱۵ رشته محل کمترین رشته دایر را دارند.

جدول (۴) تعداد رشته محل‌های دایر در مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی^۱

ردیف	نام استان	کاردانی	کارشناسی پیوسته	کارشناسی ناپیوسته	کارشناسی ارشد	دکتری تخصصی	کل
۱	آذربایجان شرقی	۲۴	۱۰	۲۱	۷	۱	۶۳
۲	آذربایجان غربی	۱۷	۴	۱۳	۰	۰	۳۴
۳	اردبیل	۶	۰	۱۱	۰	۰	۱۷
۴	اصفهان	۶۹	۵۶	۸۳	۱۰	۰	۲۱۸
۵	ایلام	۴	۴	۴	۰	۰	۱۲
۶	بوشهر	۱	۰	۵	۰	۰	۶
۷	تهران	۷	۴۰	۱۲	۳۰	۴	۹۳
۸	چهارمحال و بختیاری	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۹	خراسان جنوبی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۰	خراسان رضوی	۴۶	۵۷	۸۰	۴	۳	۱۹۰
۱۱	خراسان شمالی	۵	۲	۸	۰	۰	۱۵

۱. آمار برگرفته از دفترچه‌های آزمون سراسری، کارشناسی ناپیوسته و تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۸۸

۲۴	۰	۰	۸	۹	۷	خوزستان	۱۲
۳۷	۰	۰	۱۴	۱۰	۱۳	زنجان	۱۳
۶۳	۰	۰	۲۴	۱۰	۲۹	سمنان	۱۴
۲۵	۰	۰	۱۲	۹	۴	سیستان و بلوچستان	۱۵
۶۸	۰	۰	۳۲	۹	۲۷	فارس	۱۶
۱۵۲	۰	۹	۵۹	۲۵	۵۹	قزوین	۱۷
۸۶	۷	۴۹	۹	۱۲	۹	قم	۱۸
۰	۰	۰	۰	۰	۰	کردستان	۱۹
۷۲	۰	۱	۳۹	۱۳	۱۹	کرمان	۲۰
۲۰	۰	۰	۹	۲	۹	کرمانشاه	۲۱
۰	۰	۰	۰	۰	۰	کهگیلویه و بویراحمد	۲۲
۷۶	۰	۰	۴۰	۶	۳۰	گلستان	۲۳
۷۵	۰	۰	۳۰	۶	۳۹	گیلان	۲۴
۱۶	۰	۰	۹	۰	۷	لرستان	۲۵
۳۳۷	۱	۱۰	۱۳۶	۷۵	۱۱۵	مازندران	۲۶
۴۱	۰	۰	۲۰	۴	۱۷	مرکزی	۲۷
۴	۰	۱	۱	۲	۰	هرمزگان	۲۸
۲۴	۰	۰	۱۱	۱	۱۲	همدان	۲۹
۴۳	۰	۱	۱۴	۲۰	۸	یزد	۳۰
۱۸۱۱	۱۶	۱۲۲	۷۰۴	۳۸۶	۵۸۳	جمع	

علی‌رغم وجود تعداد زیاد رشته محل‌های دایر، متأسفانه تنوع آنها زیاد نمی‌باشد. در جدول ۵ عنوان رشته محل‌های دایر در مقاطع مختلف تحصیلی که بیشترین فراوانی را در مؤسسات آموزش عالی غیرولتی غیرانتفاعی را دارند، آورده شده است.

جدول (۵) عنوان رشته‌های تحصیلی دایر و ظرفیت پذیرش دانشجو در مؤسسات غیردولتی - غیرانتفاعی با بیشترین فراوانی^۱

ردیف	عنوان رشته	فراوانی	عنوان رشته	فراوانی	عنوان رشته	فراوانی	عنوان رشته	فراوانی	عنوان رشته	فراوانی	ظرفیت پذیرش
	(مقطع کارشناسی ارشد)		(مقطع کارشناسی ناپیوسته)		(مقطع کارشناسی پیوسته)		(مقطع کاردانی)				
۱	کاردان فنی عمران	۷۳	۷۱۹۰	۳۰	۱۸۱۰	۳۰	حسابدار ی	۷۱۹۰	۷۳	۷۱۹۰	۷۵
۲	کاردانی علمی - کاربردی نرم افزار	۷۰	۶۹۷۰	۲۵	۱۲۶۱	۲۵	مدیریت صنعتی	۶۹۷۰	۷۰	۶۹۷۰	۶۵
۳	کاردانی حسابدار ی	۶۷	۶۷۵۷	۲۴	۱۴۹۰	۲۴	مهندسی کامپیوتر	۶۷۵۷	۶۷	۶۷۵۷	۴۰
۴	کاردان فنی برق	۶۲	۶۱۴۰	۲۴	۱۴۳۰	۲۴	مهندسی صنایع	۶۱۴۰	۶۲	۶۱۴۰	۶۸
۵	کاردانی معماری	۴۳	۴۲۳۰	۲۳	۱۳۶۳	۲۳	مدیریت بازرگانی	۴۲۳۰	۴۳	۴۲۳۰	۵۰
۶	کاردانی مدیریت بازرگانی	۳۷	۳۷۱۸	۱۸	۱۰۸۰	۱۸	مترجمی زبان انگلیسی	۳۷۱۸	۳۷	۳۷۱۸	۵۰
۷	کاردانی	۲۸	۲۸۲۸	۱۷	۹۷۰	۱۷	مهندسی	۲۸۲۸	۲۸	۲۸۲۸	۴۵

۱. آمار برگرفته از دفترچه‌های آزمون سراسری، کارشناسی ناپیوسته و تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۸۸

		حدیث			تکنولوژی ی ارتباطات و فناوری ارتباطات			معماری			مدیریت صنعتی کاربردی	
۴۵	۴	علوم قرآن و حدیث	۲۸۸۰	۳۷	مدیریت صنعتی	۸۴۰	۱۴	مهندسی برق	۲۱۸۰	۲۲	کاردانی فناوری اطلاعات و ارتباطات	۸
۴۰	۴	فلسفه دین	۲۱۱۰	۲۸	مهندسی تکنولوژی ی ساختمان	۸۰۰	۱۴	مهندسی عمران	۲۲۰۰	۲۲	کاردان فنی مکانیک	۹
۳۵	۳	حقوق جزا و جرم شناسی	۱۸۹۰	۲۴	مدیریت بیمه	۷۰۰	۱۲	مهندسی فناوری اطلاعات	۲۰۰۰	۲۰	کاردانی علمی- کاربردی مخابرات	۱۰
۵۳	۳	آموزش زبان انگلیسی	۱۳۹۰	۱۸	مهندسی تکنولوژی ی مخابرات	۷۲۰	۱۲	ریاضی	۱۹۱۵	۱۹	کاردانی امور بانکی	۱۱
۳۵	۳	تبلیغ و ارتباطات فرهنگی	۱۳۱۰	۱۸	مهندسی تکنولوژی ی سخت- افزار کامپیوتر	۶۰۰	۱۰	زبان و ادبیات انگلیسی	۱۷۰۳	۱۷	کاردانی امور بیمه	۱۲
۳۵	۳	حقوق بین‌الملل	۱۰۲۰	۱۳	مدیریت جهانگرد ی	۵۴۹	۹	علوم اقتصادی	۱۶۰۰	۱۶	کاردانی علمی- کاربردی سخت- افزار کامپیوتر	۱۳
۳۰	۳	علوم سیاسی	۱۰۰۰	۱۳	مترجمی زبان انگلیسی	۴۸۰	۸	زیست شناسی سلولی مولکولی	۱۲۰۲	۱۲	کاردانی امور مالی و مالیاتی	۱۴

۱۵	کاردان فنی صنایع	۷	۷۰۰	روانشناسی	۸	۴۶۵	علمی- کاربردی ارتباط تصویری	۱۲	۹۵۰	جامعه شناسی	۳	۳۵
۱۶	کاردانی مترجمی زبان انگلیسی	۷	۷۰۰	حقوق	۸	۴۷۱	مهندسی تکنولوژی نقشه- برداری	۹	۷۲۰	مدیریت ام بی ای	۳	۵۰
۱۷	کاردانی مدیریت جهانگردی	۶	۵۸۷	علوم کامپیوتر	۷	۴۲۰	مهندسی تکنولوژی برق- قدرت	۹	۷۱۰	فلسفه و کلام اسلامی	۲	۲۰
	جمع	۵۲۸	۵۲۶۲	جمع	۲۶۳	۱۵۴۴	جمع	۶۰۷	۴۶۵۰	جمع	۶۳	۷۷۱

همانطور که در جداول ۴ و ۵ ملاحظه می‌شود از ۵۸۳ رشته محل دایر در مقطع کاردانی در م آ ع غ غ در کل کشور، ۵۲۸ رشته محل یعنی ۹۰ درصد آن دارای ۱۷ عنوان رشته تحصیلی و ۴۴۴ رشته محل آن (معادل ۷۶ درصد) دارای ۱۰ رشته تحصیلی می‌باشد. در مقطع کارشناسی پیوسته نیز، از کل ۳۸۶ رشته محل دایر، ۲۶۳ رشته محل، معادل ۶۸ درصد دارای ۱۷ رشته تحصیلی و ۲۰۱ رشته محل، معادل ۵۲ درصد دارای ۱۰ رشته تحصیلی است. همچنین از مجموع ۷۰۴ رشته محل دایر در مقطع کارشناسی ناپیوسته در م آ ع غ غ در سراسر کشور ۶۰۷ رشته محل آن (معادل ۸۶ درصد) دارای ۱۷ رشته تحصیلی می‌باشد و ۵۱۵ رشته محل آن (معادل ۷۳ درصد) نیز ۱۰ رشته تحصیلی دارد. در مقطع کارشناسی ارشد نیز از مجموع ۱۲۲ رشته محل دایر ۶۳ مورد (معادل ۵۲ درصد) دارای ۱۷ رشته تحصیلی و ۴۳ مورد (معادل ۳۵ درصد)، ۱۰ رشته تحصیلی دارد. با توجه به ملاحظات فوق می‌توان پرسش‌های زیر را مطرح کرد:

پیامدهای ناشی از این عدم تنوع در رشته‌های دایر چه می‌تواند باشد؟ آیا تکرار رشته‌ها به دلیل نیاز کشور به دانش‌آموختگان آنهاست؟ آیا این امر به دلیل رقابت بین مؤسسات رخ داده است؟ آیا برای تمام دانش‌آموختگان این رشته‌ها بازار کار وجود خواهد داشت؟ آیا برنامه‌های درسی این رشته‌ها به روز و متناسب با علوم روز دنیا بوده است؟

۳. بررسی ظرفیت پذیرش دانشجو درم آغ غ

با توجه به جدول شماره ۶، می‌توان نتیجه گرفت که از مجموع ۱۳۸ هزار نفر که می‌توانند در این مؤسسات پذیرش شوند ۵۸۸۰۰ نفر (معادل ۴۳ درصد) در مقطع کاردانی، ۲۳۰۰۰ نفر (معادل ۱۶ درصد) در مقطع کارشناسی پیوسته، ۵۴۶۰۰ نفر (معادل ۴۰ درصد) در مقطع کارشناسی ناپیوسته و ۱۵۷۷ نفر (معادل ۱ درصد) در تحصیلات تکمیلی پذیرفته خواهند شد.

با توجه به تعداد کل ۲۶۶ مؤسسه می‌توان نتیجه گرفت که متوسط تعداد دانشجویی که در هر مؤسسه می‌تواند پذیرفته شود ۵۱۹ نفر می‌باشد. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که متوسط پذیرش در هر رشته محل ۷۶ نفر است.

اما آماري که توسط سازمان سنجش آموزش کشور در خصوص تعداد ثبت نام شدگان در این مؤسسات در مقاطع کاردانی و کارشناسی پیوسته ارائه شده نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از ظرفیت واقعی این مؤسسات تکمیل و در حدود ۵۰ درصد از ظرفیت‌های ایجاد شده در آنها تکمیل نشده است. با مقایسه اطلاعات جدول ۶ می‌توان نتیجه گرفت که تنها ۴۴ درصد از ظرفیت ایجاد شده در مقطع کاردانی تکمیل شده و ۵۶ درصد ظرفیت این مقطع تکمیل نشده است. همچنین در مقطع کارشناسی پیوسته تنها ۵۴ درصد ظرفیت تکمیل شده و ۴۶ درصد آن خالی است. در مجموع ۴۷ درصد از ظرفیت‌های ایجاد شده در مقاطع کاردانی و کارشناسی پیوسته تکمیل و ۵۳ درصد آن بدون دانشجو باقی مانده است.

متأسفانه اطلاعات مربوط به تعداد ثبت نام‌شدگان در خصوص سایر مقاطع تحصیلی جمع‌آوری نشده است ولی با استفاده از اطلاعات سال‌های قبل می‌توان نتیجه گرفت که تعداد دانشجوی پذیرفته شده در مقاطع تحصیلی کارشناسی ناپیوسته، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی وضعیت مطلوبتری وجود دارد و بیشتر ظرفیت‌های در نظر گرفته شده برای آنها تکمیل می‌شود و داوطلبین تمایل بیشتری برای ادامه تحصیل در مقاطع کارشناسی ناپیوسته و تحصیلات تکمیلی را دارند. آیا این امر به دلیل مدرک‌گرایی و ارزش نسبی مدارک بالاتر نزد متقاضیان تحصیل در این مؤسسات است؟ یا به جهت وجود بازار کار بیشتر برای دانش‌آموختگان مقاطع تحصیلی بالاتر

است؟ با توجه به آمارهای نرخ بیکاری ثبت شده تحصیل کردگان آموزش عالی که نشان می دهد در سال ۱۳۸۸ برابر ۲۴/۷ درصد^۱ بوده است، نمی توان پاسخ مثبتی به این پرسش داد. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۵ می توان نتیجه گرفت ۹۰ درصد پذیرش دانشجویان در مقطع کاردانی در ۱۷ رشته تحصیلی انجام شده و ۷۵ درصد از دانشجویانی که در این مقطع پذیرش می شوند تنها در ۱۰ رشته تحصیلی انجام شده است. در مقطع کارشناسی پیوسته نیز ۶۷ درصد از پذیرفته شدگان در ۱۷ رشته تحصیلی خواهد بود و ۵۲ درصد داوطلبین نیز در ۱۰ رشته تحصیلی پذیرفته شده اند. همچنین نتیجه می شود ۸۵ درصد داوطلبین در مقطع کارشناسی ناپیوسته در ۱۷ رشته تحصیلی پذیرفته میشوند و ۵۳ درصد از متقاضیان ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در ۱۷ رشته تحصیلی قادر به ادامه تحصیل هستند

جدول (۶) ظرفیت پذیرش دانشجو در مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی^۲

ردیف	نام استان	ظرفیت پذیرش کاردانی	ظرفیت پذیرش کارشناسی	ظرفیت پذیرش کارشناسی ناپیوسته	ظرفیت پذیرش کارشناسی ارشد	ظرفیت پذیرش دکتری تخصصی	کل ظرفیت پذیرش	در هر رشته محل متوسط پذیرش در هر مؤسسه	متوسط پذیرش در هر رشته محل	ظرفیت خالی مانده در کاردانی و کارشناسی
۱	آذربایجان شرقی	۲۳۶۹	۱۰۷۷	۶۰۲	۴۰۵	۱۵۸۰	۸۵	۴۶۴۱	۴۲۲	۱۴۸۹
۲	آذربایجان غربی	۱۶۸۷	۸۳۶	۲۴۱	۳۲۷	۱۰۴۰	۰	۲۹۶۸	۳۷۱	۷۶۵
۳	اردبیل	۶۰۲	۵۰۰	۰	۰	۷۲۰	۰	۱۳۲۲	۳۳۱	۱۰۲
۴	اصفهان	۶۹۲۱	۲۶۴۳	۳۳۷۸	۱۹۸۷	۶۴۵۰	۱۴۰	۱۶۸۸۹	۵۶۳	۵۶۶۹

۱. سال نمای آماری ۱۳۸۸ مرکز آمار ایران.

۲. اطلاعات برگرفته از دفترچه های آزمون سراسری سال ۱۳۸۸

۱۹	۸۱	۹۶۷	۹۶۷	۰	۰	۳۲۰	۱۵۴	۲۴۳	۴۷۴	۴۰۴	ایلام	۵
۱۰۰	۸۳	۲۵۰	۵۰۰	۰	۰	۴۰۰	۰	۰	۰	۱۰۰	بوشهر	۶
۲۸۴۹	۵۸	۳۶۰	۵۴۰۶	۳۰	۴۲۹	۸۰۰	۵۱۶	۲۶۴۷	۷۸۲	۱۵۰۰	تهران	۷
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	تهران و مختار	۸
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	خ. جنوبی	۹
۱۴۳۴	۷۴	۶۴۳	۱۴۱۳ ۷	۲۵	۶۰	۶۰۵۰	۳۱۳۹	۳۴۰۳	۳۴۲۹	۴۵۹۹	خ. رضوی	۱۰
۳۱۵	۸۴	۶۳۱	۱۲۶۲	۰	۰	۶۴۰	۴۸	۱۲۰	۲۵۹	۵۰۲	خ. شمالی	۱۱
۱۰۳۷	۷۵	۵۹۸	۱۷۹۵	۰	۰	۶۴۰	۰	۴۵۵	۱۱۸	۷۰۰	خوزستان	۱۲
۱۰۰۶	۸۲	۶۰۶	۳۰۳۱	۰	۰	۱۱۲۰	۳۰۴	۶۰۶	۶۰۱	۱۳۰۵	زنجان	۱۳
۱۸۱۷	۸۴	۵۸۵	۵۲۶۲	۰	۰	۱۸۵۰	۲۸۵	۶۰۴	۱۳۱۰	۲۸۰۸	سمنان	۱۴
۳۴۶	۷۱	۴۴۱	۱۷۶۳	۰	۰	۹۶۰	۳۹۴	۴۰۲	۶۳	۴۰۱	سمنان و بله حنستان	۱۵

بررسی تحلیل وضعیت توسعه مؤسسات آموزش عالی ... ۱۵۳

۱۶۱۱	۸۴	۵۲۱	۵۷۳۰	۰	۰	۲۵۰۰	۳۴۱	۵۴۲	۱۲۷۸	۲۶۸۸	فارس	۱۶
۴۱۷۱	۸۰	۵۸۰	۱۲۱۷ ۹	۰	۱۳۵	۴۶۴۰	۷۴۳	۱۵۱۳	۲۴۹۰	۵۸۹۱	قزوین	۱۷
۱۱۵۲	۳۲	۲۳۱	۲۷۷۲	۵۰	۴۳۵	۷۲۰	۹۱	۶۶۷	۳۲۴	۹۰۰	قم	۱۸
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	کردستان	۱۹
۱۳۸۱	۸۰	۵۲۶	۵۷۸۶	۰	۱۵	۳۱۲۰	۶۳۹	۷۸۵	۶۳۱	۱۸۶۶	کرمان	۲۰
۶۲۶	۸۷	۴۳۶	۱۷۴۳	۰	۰	۷۲۰	۵۵	۱۲۱	۳۴۲	۹۰۲	کرمانشاه	۲۱
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	کهگیلویه و بویراحمد	۲۲
۲۶۳۷	۸۵	۶۴۶	۶۴۶۴	۰	۰	۳۰۹۰	۹۱	۳۶۳	۶۴۶	۳۰۱۱	گلستان	۲۳
۲۰۴۶	۸۷	۵۰۲	۶۵۲۰	۰	۰	۲۳۴۰	۱۷۹	۳۶۲	۱۹۵۵	۳۸۱۸	گیلان	۲۴

۳۱۶	۸۵	۳۳۹	۱۳۵۷	۰	۰	۷۲۰	۰	۰	۳۲۱	۶۳۷	لرستان	۲۵
۹۱۲۶	۷۹	۶۵۲	۲۶۷۳ ۳	۳	۱۳۰	۱۰۵۶۵	۲۲۱۹	۴۵۱۶	۴۶۹۰	۱۱۵۱ ۹	مازندران	۲۶
۱۳۹۸	۸۶	۴۴۳	۳۵۴۵	۰	۰	۱۶۰۰	۷۹	۲۴۰	۴۶۸	۱۷۰۵	مرکزی	۲۷
۵۵	۴۳	۸۶	۱۷۲	۰	۲۰	۵۰	۴۷	۱۰۲	۰	۰	هرمزگان	۲۸
۷۰۲	۸۸	۴۲۱	۲۱۰۵	۰	۰	۸۴۰	۳۶	۶۰	۵۲۷	۱۲۰۵	همدان	۲۹
۱۲۴۲	۶۹	۴۹۴	۲۹۶۵	۰	۱۵	۱۱۲۰	۴۲۷	۱۰۲۶	۱۶۱	۸۰۴	دز	۳۰
۴۳۴۱۱	۷۶	۵۱۹	۱۳۸۰ ۱۴	۱۱ ۳	۱۴۶۴	۱۲۵۰۶	۵۴۵۹۵	۲۵۹ ۲۵	۲۵۹۲ ۵	۵۸۸ ۴۴		جمع

نتیجه‌گیری

تحلیل یافته‌های پژوهش در سه بخش الف-ایجاد، توسعه و نحوه توزیع این مؤسسات در کشور، ب- رشته‌های ایجاد شده و دایر در این مؤسسات و همچنین ج- ظرفیت‌های ایجاد شده برای پذیرش دانشجو و تعداد دانشجوی شاغل به تحصیل، انجام می‌گیرد و به نقاط قوت و ضعف ایجاد و توسعه م آ ع غ پرداخته می‌شود.

الف) تحلیل یافته‌های مربوط به توسعه م آ ع غ و نحوه توزیع آنها در کشور

همانگونه که قبلا نیز گفته شد یکی از دلایلی که روند توسعه مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی در طول برنامه چهارم توسعه سرعت چشمگیری نسبت به سالهای قبل از آن پیدا کرد، تفویض اختیاری بود که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی به وزارت علوم واگذار شد. این امر سبب شد وزارت علوم، خصوصا شورای گسترش آموزش عالی با تمرکز بیشتر و برگزاری جلسات متعدد مختص این مؤسسات امکان حضور آنها در عرصه آموزش عالی کشور را فراهم نماید. دلیل دیگر آن، تکلیفی بود که بر اساس سند ملی توسعه بخش آموزش عالی در برنامه چهارم بر عهده وزارت علوم گذاشته شده بود، بدین ترتیب که می‌بایست جمعیت دانشجوی شاغل به تحصیل در این مؤسسات از ۵۲ هزار نفر به ۴۵۰ هزار نفر برسد یعنی باید در طی یک بازه زمانی ۵ ساله ۸/۷ برابر به جمعیت دانشجویی در این بخش اضافه شود.

نکته‌ای که از بررسی نحوه پراکنش این مؤسسات در کشور می‌توان استنباط نمود آنست که پراکندگی آنها از مدل خاصی تبعیت نمی‌کند و به نظر می‌رسد ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های منطقه‌ای نیز کمتر مورد توجه شورای گسترش آموزش عالی قرار گرفته است و محور تصمیم‌گیری برای تأسیس مؤسسات در مناطق و استان‌های مختلف کشور صرفا بر اساس تقاضای اعضای هیئت موسس بوده است. بنظر می‌رسد اگر وزارت علوم در توزیع پراکندگی این مؤسسات در کشور با برنامه‌تر و بر اساس یک الگوی جغرافیایی و نیازسنجی منطقه‌ای و بر مبنای آمایش سرزمین عمل می‌کرد، وضعیتی به مراتب بهتر از وضعیت موجود می‌توانست رخ دهد. زیرا در حال حاضر، یک چهارم مؤسسات موجود در سه استان شمالی کشور دایر می‌باشد و تقریبا نیمی از آنها در استان تهران و ۶ استان مجاور آن قرار گرفته است^۱. یکی از دلایل این امر آن است، که تعداد زیادی از اعضای هیئت مؤسس این مؤسسات عضو هیئت علمی

۱. طبق بررسی‌های به عمل آمده چنانچه تعداد ۲۶۶ مؤسسه متناسب با جمعیت و مساحت هر استان توزیع گردد سهم استان مازندران ۱۳، گیلان ۱۱، گلستان ۷، قزوین ۵، قم ۵ و اصفهان ۲۰ مؤسسه بود که با رقم موجود آنها که در جدول ۲ آورده شده است بسیار متفاوت می‌باشد. همچنین طبق این بررسی سهم استان‌هایی که در حال حاضر فاقد مؤسسه می‌باشند، برابر است با، استان چهارمحال و بختیاری ۴ مؤسسه، خراسان جنوبی ۳ و کردستان ۶ مؤسسه آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی.

دانشگاه‌های تهران بوده و در پایتخت ساکنند^۱، و برای اینکه بتوانند برای رسیدگی به امور مؤسسه حداقل مسافت را طی کنند به ناچار استانهای مجاور تهران خصوصاً استانهای شمالی کشور که به دلیل طبیعت زیبا و امکان دسترسی سریعتر، جاذبه بیشتری دارد را انتخاب کرده‌اند. از طرفی با توجه به تراکم جمعیت در پایتخت، این امکان وجود دارد که این مؤسسات علاوه بر جذب دانشجویان بومی بتوانند از سرریز داوطلبانی که در تهران ساکن بوده ولی موفق به قبولی در دانشگاههای واقع در این شهر نشده‌اند، استفاده نموده و آنها را جذب نمایند. اما این موضوع می‌تواند مشکلاتی را برای منطقه به وجود آورد، به عنوان مثال دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی به این مؤسسات اعلام کرده است که باید ظرف ۵ سال پس از آغاز به فعالیت، ساخت سایت اصلی مؤسسه را آغاز نموده و فعالیت خود را در پردیس اصلی ادامه دهند. برای ایجاد سایت اصلی مؤسسه داشتن حداقل ۶ هکتار زمین مورد نیاز است که نیمی از آن برای پردیس اصلی مؤسسه و نیمی دیگر برای آماده سازی زیرساختهای لازم از جمله ساخت جاده دسترسی لازم است. بنابراین در استان مازندران که دارای ۴۱ مؤسسه می- باشد باید حداقل ۲۴۶ هکتار زمین به این امر اختصاص یابد. با توجه به اینکه در این استان زمین بلااستفاده وجود نداشته و زمین‌های موجود بصورت مزروعی یا منابع طبیعی است، لذا میتوان فرض کرد که برای دستیابی به زمین مورد نظر، لازم است تا ۲۴۶ هکتار از زمینهای منابع طبیعی یا کشاورزی این منطقه تخریب شده و تبدیل به فضاهای آموزشی شود که صدمات جبران ناپذیری را از بعد زیست محیطی، می‌تواند در منطقه به جای گذارد. در سایر استانهای شمالی کشور نیز اگروضع به همین ترتیب باشد در طی یک فرایند زمانی خواهیم دید که بخش وسیعی از جنگل‌ها، منابع طبیعی یا زمینهای کشاورزی تغییر کاربری یافته و باعث تغییر بافت منطقه خواهد شد و یا اینکه اجرای این مصوبه عملاً امکان‌پذیر نخواهند بود.

۲. بر اساس یک نمونه‌گیری تصادفی از ۲۰ مؤسسه واقع در استان‌های گیلان، مازندران، قزوین و سمنان و بررسی محل خدمت اعضای هیأت مؤسس، ملاحظه شد بیش از ۶۰ درصد اعضای هیأت مؤسس عضو هیأت علمی یکی از دانشگاه‌های تهران بوده‌اند.

مسأله دیگر این است که حضور دانشجویان از تبارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مختلف در یک شهر کوچک و سستی موجب تضادهای جدی در زندگی جوانان شده و باعث بروز مسائل فرهنگی و اجتماعی شده که در نهایتاً نارضایتی ساکنان بومی منطقه را به دنبال خواهد داشت.

براساس گزارش مرکز آمار ایران در حال حاضر ۱۴۵۰ شهرستان و شهر (به غیر از بخش و دهستان) در کشور وجود دارد و این مؤسسات صرفاً در ۷۳ شهر توزیع شده- اند که بیشتر آنها در مراکز استانها یا شهرهای نزدیک به مراکز استانهاست. بنابراین این پتانسیل و قابلیت وجود دارد که مؤسسات بر اساس طرح آمایش سرزمین در کل کشور توسعه یابند. خصوصاً در استانهای نظیر چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی و کردستان که از استانهای محروم کشور بوده و در حال حاضر نیز فاقد مؤسسه آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی می باشند، زیرا یکی از اهداف مهم ایجاد و توسعه این مؤسسات در کشور که به صراحت در مصوبه ۵۴۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی که در مباحث پیشین این گفتار به آن اشاره شده است، اولویت دادن به مناطق و استان- های محروم کشور و گزینش دانشجویان بومی بوده است که متأسفانه به آن توجه کمتری شده است. لازمه این امر توجه به بحث آمایش سرزمین در برنامه ریزی توسعه دانشگاههاست. پژوهش های انجام یافته در این خصوص نشان می دهد که در دانشگاه- های دولتی کشور نیز غالباً برنامه ای مدون و عملیاتی توسعه دانشگاهی وجود ندارد (یمنی، ترکزاده، ۱۳۸۸)

ب) تحلیل یافته های مربوط به رشته محل های دایر در م آ ع غ

اولین نکته ای که در خصوص رشته محل های دایر در این مؤسسات مشاهده می شود، تکراری بودن و عدم تنوع و آنهاست. بطوریکه در بخش نتایج مربوط به این بخش دیده شد علی رغم وجود ۱۷۹۵ رشته محل دایر در مقاطع تحصیلی مختلف - به غیر از دکتری تخصصی - در این مؤسسات ، ۱۴۷۰ رشته محل (معادل ۸۲ درصد) دارای ۶۸ برنامه آموزشی است یعنی در هر مقطع تحصیلی ۱۷ عنوان یا برنامه درسی ۸۲ درصد از رشته محل ها را دارد. این امر نشان دهنده این موضوع است که تعداد زیادی از این مؤسسات دارای رشته های مشابه بوده و این امر سبب می شود که داوطلبان حق

انتخاب زیادی برای رشته‌های مورد علاقه خود نداشته باشند و چه بسا که در یک منطقه چند مؤسسه رشته‌های تحصیلی یکسانی دارند. نتیجه‌ای که از این رخداد می‌توان گرفت آنست که با وجود تأکید شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر ایجاد رشته‌های تحصیلی متناسب با زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی استانها، این امر کمتر مورد توجه تصمیم‌گیران آموزش عالی قرار گرفته است. زیرا علی‌رغم وجود تنوع زیاد در بافت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور، تنوع زیادی در رشته‌های دایر در آنها وجود ندارد. در ضمن تناسبی نیز بین وضعیت جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی محل با رشته‌های دایر شده دیده نمی‌شود. دلیل این امر را می‌توان فقدان برنامه توسعه استانی براساس آمایش سرزمین و همچنین عدم وجود تنوع در تعداد برنامه‌های درسی مصوب و موجود در وزارت علوم، یا جذابیت پایین و یا قدیمی بودن سایر برنامه‌ها و رشته‌های درسی دانست. از طرفی چنین می‌توان استنباط کرد که نوپا و تازه تأسیس بودن این مؤسسات باعث می‌شود زیرساخت‌ها، آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های مورد نیاز برای راه‌اندازی رشته‌های تحصیلی دیگر را نداشته باشند. عدم وجود اعضای هیئت علمی متخصص و متبحر برای تدریس دروس تخصصی در منطقه ممکن است این محدودیت را ایجاد کرده باشد. بنابراین برنامه‌ریزان سعی نموده‌اند در شروع فعالیت این مؤسسات رشته‌هایی دایر شود که نیاز به امکانات و تجهیزات خاصی نداشته باشد. از طرفی این سؤال مطرح می‌شود که آیا کشور به وجود این تعداد دانش‌آموخته در رشته‌ای خاص نیاز دارد یا خیر؟ به عنوان مثال همانطور که در جدول ۵ دیده شد رشته‌کاردان فنی عمران در ۷۳ مؤسسه دایر است و یا رشته‌ای مانند کاردانی علمی-کاربردی نرم‌افزار کامپیوتر در ۷۰ مؤسسه وجود دارد. آیا توجه صرف به افزایش تعداد پذیرش دانشجو در رشته‌هایی خاص، بدون توجه به نوع دانش و مهارت‌های مورد نیاز جامعه، مشکلاتی چون بیکاری، شبه بیکاری و تضییع نیروی انسانی را منجر نمی‌شود؟ البته تعدادی از این رشته‌ها با این رویکرد که می‌تواند زمینه‌های خود اشتغالی را در کشور ایجاد نماید، تأسیس شده است. بدین ترتیب که مؤسسات تلاش نموده‌اند رشته‌هایی را دایر نمایند که برای متقاضیان جاذبه بیشتری داشته و تقاضای اجتماعی بیشتری برای ادامه تحصیل در آنها وجود داشته باشد و در نهایت دانش‌آموختگان این رشته‌ها نیز

بتوانند پس از فراغت از تحصیل بدون اتکا به مشاغل دولتی برای خود زمینه‌های اشتغال شخصی را فراهم نمایند؛ و از آنجا که رشته‌های تحصیلی در زمینه‌های کامپیوتر، عمران، برق، معماری و ... مقبولیت و جاذبه بیشتری نسبت به دیگر رشته‌ها دارند، بنابراین فراوانی بیشتری در آنها دیده می‌شود. البته جای رشته‌های گروه هنر همانند فرش، صنایع دستی، گرافیک و ... در میان آنها خالی است.

در مقایسه با تعداد رشته محل‌های دایر در سال ۱۳۸۳ یعنی پایان برنامه سوم، نیز چنین می‌توان نتیجه گرفت که تعداد رشته محل‌های دایر در مقطع کاردانی از ۱۰۷ به ۵۸۳ (۵/۵ برابر رشد)، در مقطع کارشناسی و کارشناسی ناپیوسته از ۱۱۷ به ۱۰۹۰ (معادل ۹/۳ برابر رشد) و در تحصیلات تکمیلی نیز از ۳۸ به ۱۳۶ (معادل ۳/۶ برابر رشد) افزایش یافته است^۱، که بسیار چشمگیر می‌باشد. البته این توسعه رویکردی کمی داشته است ولی ارزیابی کیفی جامعی در این خصوص انجام نگرفته است، که لازم است این امر مورد توجه بیشتری از سوی مسئولین قرار گیرد.

ج) تحلیل یافته‌های حاصل از ظرفیت‌های ایجاد شده در م آ ع غ

همانطور که در جدول ۶ دیده می‌شود از حدود ۵۹ هزار ظرفیت ایجاد شده در مقطع کاردانی در مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی ۲۶ هزار نفر (معادل ۴۴ درصد) در این مقطع ثبت نام نموده و حدود ۳۳ هزار ظرفیت تکمیل نشده (معادل ۵۶ درصد) در مقطع کاردانی در این مؤسسات وجود دارد که رقم قابل توجهی است. این موضوع می‌تواند متأثر از عدم تمایل داوطلبان به ادامه تحصیل در مقطع کاردانی باشد. زیرا باور عموم جامعه بر این است که هرچه مدرک تحصیلی بالاتر باشد بازار کار بهتر و بیشتری برای دانش‌آموختگان وجود خواهد داشت. همچنین "منزلت اجتماعی" این افراد نیز بالاتر خواهد بود. دلیل دیگر عدم تنوع در رشته‌های تحصیلی دایر در این مؤسسات است، بدین ترتیب شاید داوطلبان نمی‌توانند رشته مورد علاقه

۱. آمار برگرفته از دفترچه‌های آزمون سراسری و تحصیلات تکمیلی سازمان سنجش آموزش کشور در سال‌های

خود را در این مؤسسات بیابند. دلیل سوم وجود سایر مرکز آموزش عالی نظیر دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه جامع علمی کاربردی و گستردگی آنها در کشور است. از آنجا که برای ثبت نام در دوره کاردانی در دانشگاه آزاد اسلامی نیاز به کسب نمره قبولی در آزمون ورودی نمی‌باشد، بنابراین آن عده از علاقه‌مندان به ادامه تحصیل در این مقطع ترجیح می‌دهند تا در یکی از واحدهای این دانشگاه که در نزدیکی محل زندگی داوطلب وجود دارد بدون گذراندن آزمون ورودی در رشته مورد علاقه خود ثبت نام نموده و ادامه تحصیل دهند و یا در یکی از واحدهای دانشگاه جامع علمی کاربردی که در نزدیکی محل سکونت داوطلب قرار دارد به تحصیل مشغول شوند. همانطور که در جدول شماره ۷ دیده می‌شود جمعیت دانشجوی شاغل به تحصیل در مقطع کاردانی در دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۸۸ به بیش از ۵۰۰ هزار نفر افزایش یافته است در حالیکه در سال ۸۳ برابر ۲۹۱ هزار نفر بوده است، یعنی رشدی در حدود ۱/۷ برابر و این در حالی است که طبق سند برنامه چهارم توسعه می‌بایست تعداد دانشجویان مقطع کاردانی این دانشگاه به رقم ۳۶۲ هزار نفر می‌رسید، این امر نشان می‌دهد که دانشگاه آزاد اسلامی توانسته است در مقطع کاردانی ۱۳۸ هزار دانشجو بیشتر از آنچه که در برنامه تکلیف شده بود، جذب نماید که این امر باعث کاهش سهم م‌آع غ شده است. دانشگاه جامع علمی کاربردی نیز دانشجویان مقطع کاردانی خود را از ۱۸۰ هزار نفر در سال ۸۳ به بیش از ۴۳۴ هزار نفر افزایش داده است، یعنی رشدی ۲/۴ برابری که مطابق با سند برنامه چهارم توسعه بوده است. که بطور خلاصه آن در جدول شماره ۷ آورنده شده است.

یکی دیگر از مشکلات موجود برای پذیرش دانشجو در مقطع کاردانی در این مؤسسات عدم امکان ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ناپیوسته برای دانش‌آموختگان بعضی از رشته‌های دایر در مقطع کاردانی است. به عبارت دیگر یا برنامه و سرفصل درسی مصوب وجود ندارد و یا به دلیل محدودیت پذیرش، قبولی در مقطع کارشناسی ناپیوسته مشکل است.

جدول (۷) جمعیت دانشجوی شاغل به تحصیل در مراکز آموزش عالی کشور بر اساس سند برنامه چهارم توسعه، جمعیت محقق شده و اختلاف آنها

نام مرکز آموزش عالی	دوره	پیش بینی پایان برنامه چهارم ۱۳۸۸	برآورد تحقق یافته ^۲	فاصله بین تحقق یافته و پیش بینی شده در برنامه
دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی	کاردانی	۲۷۰۰۰۰	۱۶۰۰۰۰	-۱۱۰۰۰۰
	کارشناسی	۱۷۵۰۰۰	۱۶۱۰۰۰	-۱۴۰۰۰
	کارشناسی ارشد	۴۵۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰
	دکتری	۵۰۰	۴۵۰	-۵۰
دانشگاه پیام نور	کاردانی	۰	۰	۰
	کارشناسی	۵۹۶۷۵۰	۸۰۳۵۰۰	۲۰۶۷۵۰
	کارشناسی ارشد	۳۰۰۰	۷۰۰۰	۴۰۰۰
	دکتری	۲۵۰	۳۳۰	۸۰
دانشگاه جامع علمی-کاربردی	کاردانی	۴۷۰۰۰۰	۴۳۴۵۰۰	-۳۵۵۰۰
	کارشناسی	۲۰۰۰۰	۳۳۶۴۰	۱۳۶۴۰
	کارشناسی ارشد	۰	۰	۰
	دکتری	۰	۰	۰
دانشگاه آزاد اسلامی	کاردانی	۳۶۲۰۰۰	۵۳۲۰۰۰	۱۷۰۰۰۰
	کارشناسی	۷۸۵۰۰۰	۸۱۰۰۰۰	۲۵۰۰۰
	کارشناسی ارشد	۳۴۴۰۰	۵۱۵۰۰	۱۷۱۰۰
	دکتری	۳۰۰۰	۴۷۵۰	۱۷۵۰

علی‌رغم اینکه انتظار می‌رود داوطلبان استقبال بیشتری از دوره‌های کارشناسی به عمل آورده و ظرفیت پذیرش در این مقطع تا حدود زیادی تکمیل شود ولی همانطور که در جدول ۶ ملاحظه شد، از ۲۳ هزار ظرفیت ایجاد شده در این مقطع حدود ۱۲۵۰۰۰ نفر (معادل ۵۴ درصد) در این دوره ثبت نام کرده و ۱۰۵۰۰۰ صندلی خالی (معادل ۴۶ درصد) در این مقطع در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ در این مؤسسات وجود داشته است. البته نسبت به دوره کاردانی وضع کمی بهتر بوده ولی باز هم ظرفیت تکمیل نشده قابل توجه است. از دلایل آن نیز می‌توان نوپا بودن این مؤسسات و عدم توانایی رقابت این مؤسسات با دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه پیام‌نور اشاره نمود. زیرا در حال حاضر اغلب این مؤسسات از ساختمان و فضاهای آموزشی استیجاری استفاده می‌نمایند که کاربری لازم را نداشته و عمدتاً از مسکونی به آموزشی

۱. آمار برگرفته از سند ملی توسعه بخش آموزش عالی در برنامه چهارم توسعه

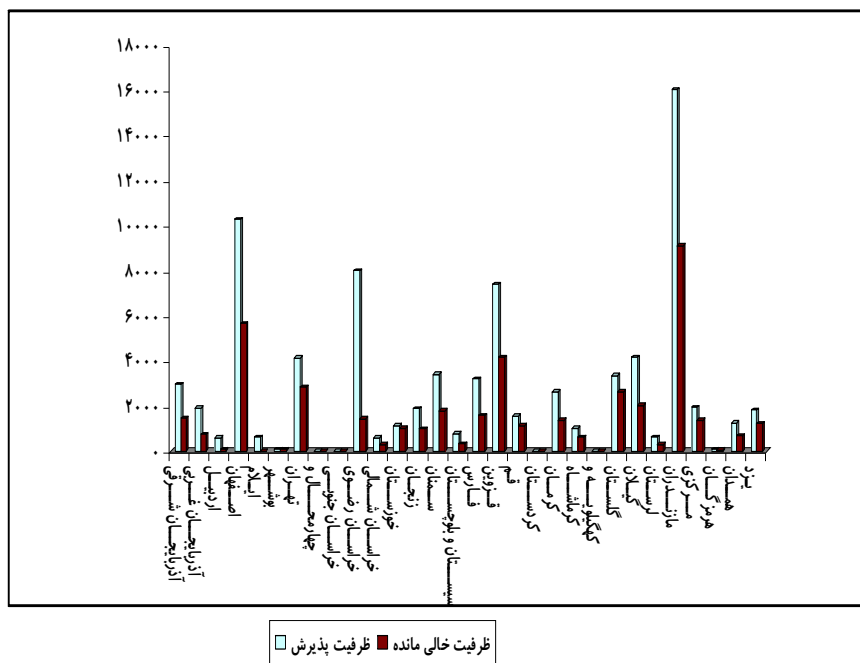
۲. آمار برگرفته از کتاب آیینة تلاش ۱۳۸۸، گزارش فعالیت چهار ساله وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تغییر کاربری داده شده است، این امر می‌تواند به عنوان یک نقطه ضعف و ذهنیت منفی در دانشجویان ایجاد کند زیرا با توجه به پرداخت شهریه در این مؤسسات، انتظار یک دانشگاه تمام عیار و مجهز برای محل تحصیل خود دارند. از طرفی عدم وجود امکانات لازم آموزشی، کارگاهی، آزمایشگاهی و... این شبهه را می‌تواند در اذهان تداعی کند که این مؤسسات از کیفیت آموزشی لازم برخوردار نیستند، بنابراین تمایل دانشجویان برای ثبت نام و ادامه تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی که از قدمت بیشتر و فضای آموزشی، امکانات کارگاهی و آزمایشگاهی مناسب‌تری برخوردار می‌باشد، بیشتر است. بر اساس آمار موجود، جمعیت دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی در مقطع کارشناسی از ۶۳۱ هزار نفر در سال ۸۳ به بیش از ۸۰۰ هزار نفر در سال ۸۸ افزایش یافته است یعنی رشدی ۱/۳ برابری که این رقم از مقدار پیش‌بینی سند برنامه چهارم حدود ۲۰ هزار نفر بیشتر است. از طرفی داوطلبانی نیز که علاقه‌مند به تحصیل در دوره کارشناسی هستند می‌توانند در واحدهای دانشگاه پیام نور که مطمئناً در شهر محل سکونت یا یکی از شهرهای نزدیک آن قرار دارد به آسانی پذیرفته شوند و با توجه به نیمه حضوری بودن دوره‌های دایر در دانشگاه پیام‌نور و عدم نیاز به حضور تمام وقت در دانشگاه و نیز پایین‌تر بودن شهریه آن نسبت به مؤسسات مذکور تعداد زیادی از داوطلبان خصوصاً افراد شاغل، تمایل به ادامه تحصیل در این دانشگاه را دارند. براساس آمار موجود در دفتر گسترش آموزش عالی تعداد دانشجوی شاغل به تحصیل در دانشگاه پیام‌نور در مقطع کارشناسی، از حدود ۳۶۹ هزار نفر در سال ۸۳ به حدود ۸۰۳ هزار نفر در سال ۸۸ رسیده است یعنی رشدی ۲/۲ برابری را در این بخش شاهد هستیم و این در حالی است که طبق سند برنامه چهارم این رقم می‌بایست به ۵۹۶ هزار نفر می‌رسید. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که در سال ۱۳۸۸ دانشگاه پیام‌نور در حدود ۲۰۷ هزار دانشجو در مقطع کارشناسی پیش از آنچه که در برنامه پیش‌بینی شده است در اختیار دارد و این امر باعث کاهش سهم مؤسسات غیردولتی غیرانتفاعی از آموزش عالی کشور در این مقطع شده است.

دلیل دیگر آن عدم توسعه متوازن این مؤسسات در سطح کشور است که این موضوع باعث می‌شود علاقه‌مندان به تحصیل در این مؤسسات به دلیل عدم وجود

مؤسسه در نزدیکی محل سکونت خود امکان ثبت نام در آن را نداشته باشند و این در حالی است که واحدها و مراکز دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه پیام‌نور تقریباً در تمامی مناطق و شهرهای کشور دایر می‌باشند.

همانطور که در نمودار ۵ دیده می‌شود در تمامی استانهای کشور ظرفیت‌های ایجاد شده در مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی برای جذب دانشجو در مقاطع کاردانی و کارشناسی تکمیل نشده است. از ۸۱۸۴۲ نفر ظرفیت موجود در این دو مقطع در کل کشور ۴۳۴۱۱ صندلی (معادل ۵۳ درصد) خالی مانده و فاقد دانشجو است.



نمودار (۵): مقایسه ظرفیت پذیرش و ظرفیت ثبت نام نشده در مقاطع کاردانی و کارشناسی در م آ ع غ خ در سال ۱۳۸۸

عدم تکمیل ظرفیت‌های ایجاد شده در این مؤسسات باعث می‌شود که در دراز مدت این مؤسسات نتوانند سرمایه‌گذاری قابل قبولی برای ایجاد سایت اصلی مؤسسه، تجهیز کارگاهها و آزمایشگاههای مورد نیاز، جذب اعضای هیئت علمی تمام وقت و

ارتقاء سایر شاخص‌های کیفی خود داشته باشند و با توجه به ثابت ماندن میزان شهریه و یا عدم افزایش آن متناسب با نرخ تورم جامعه و هزینه‌های جاری و عدم وجود سیاست‌های حمایتی روشن از سوی دولت از این مؤسسات، باعث می‌شود که مؤسسات نتوانند با سایر مراکز آموزش عالی کشور رقابت نموده و باعث از رونق افتادن بیش از پیش آنها و وارد شدن هزینه‌های گزاف به این مؤسسات و در نتیجه آموزش عالی کشور خواهد شد.

با نگاهی دقیق‌تر به جدول شماره ۶ نتیجه دیگری نیز حاصل می‌شود و آن خالی ماندن ۹۱۲۶ صندلی از ۱۶۰۳۵ ظرفیت ایجاد شده (معادل ۵۷ درصد) در ۴۱ مؤسسه دایر در استان مازندران در مقاطع کاردانی و کارشناسی است. که دلیل آن نیز همانطور که قبلاً گفته شد می‌تواند تراکم زیاد مؤسسات در این استان و عدم وجود دانشجوی بومی به میزان ظرفیت ایجاد شده و عدم استقبال داوطلبان ساکن در سایر استان‌های همجوار خصوصاً استان تهران برای ثبت نام باشد. این امر در واقع یکی از آثار سوء توسعه نامتوازن آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی در کشور است که می‌تواند در آینده نیز به شکل حادثری خود را نشان دهد تا آنجا که ممکن است بعضی از مؤسسات حتی توان پرداخت هزینه‌های جاری خود را نداشته باشند، چون در سالهای آتی با کاهش تعداد دانش‌آموزان، با کم شدن حجم متقاضیان ورود به آموزش عالی مواجه خواهیم بود و در نتیجه ممکن است این مؤسسات همین تعداد دانشجو را نیز از دست بدهند.

در مقایسه با ظرفیت پذیرش دانشجو در این مؤسسات در سال ۱۳۸۳ یعنی پایان برنامه سوم توسعه می‌توان نتیجه گرفت که در مقطع کاردانی پذیرش دانشجو از حدود ۱۱ هزار نفر در سال ۱۳۸۳ با رشد ۵/۴ برابری به حدود ۵۹ هزار نفر در سال ۱۳۸۸ افزایش یافته است. در مقطع کارشناسی اعم از پیوسته و ناپیوسته از حدود ۸۰۰۰ نفر با رشدی معادل ۹/۷ برابر به حدود ۷۷۶۰۰ نفر و در دوره‌های تحصیلات تکمیلی از ۴۵۰ نفر با رشد ۳/۵ برابری به حدود ۱۵۷۰ نفر افزایش یافته است^۱. اما علی‌رغم ظرفیت‌های ایجاد شده در طول برنامه چهارم توسعه در این مؤسسات مشاهده می‌شود

۱. آمار برگرفته از کتاب آیینة تلاش ۱۳۸۸، گزارش فعالیت چهار ساله وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

جمعیت دانشجوی شاغل به تحصیل متناسب با ظرفیت‌های ایجاد شده رشد نداشته است و همانطور که در مباحث قبلی بیان شد، بخش قابل توجهی از ظرفیت‌های ایجاد شده که قابلیت و پتانسیل جذب دانشجو را داشته‌اند، در حال حاضر فاقد دانشجو می‌باشند.

بر اساس آماری که توسط مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی کشور در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ ارائه شده است، تا پایان سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ تعداد ۱۷۳۳۶۸ نفر^۱ در این مؤسسات مشغول به تحصیل بوده‌اند، بنابراین برای رسیدن به رقم پیش بینی شده در سند برنامه چهارم یعنی ۴۵۰ هزار نفر باید بالغ بر ۲۷۶ هزار دانشجوی دیگر در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ جذب این مؤسسات شوند که این مهم با توجه به شرایط موجود امری دور از ذهن به نظر می‌رسد، زیرا طبق ارزیابی‌ها و برآوردهای انجام شده پیش‌بینی می‌شود که تعداد کل دانشجوی شاغل به تحصیل در این مؤسسات در پایان سال ۸۸ به حدود ۳۰۰ هزار نفر برسد که از رقم مندرج در سند برنامه حدود ۱۵۰ هزار نفر کمتر است. پس می‌توان گفت که در خصوص تعداد دانشجوی شاغل به تحصیل در این مؤسسات، علی‌رغم ظرفیت‌های ایجاد شده، انتظارات و اهداف تعیین شده در سند برنامه چهارم را تأمین نشده است و دلیل عمده آن نیز افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو بیش از مقادیر تعیین شده در سایر مراکز آموزش عالی کشور نظیر دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام‌نور و دانشگاه جامع علمی کاربردی است. با توجه به اینکه شهریه دانشگاه آزاد اسلامی از شهریه مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی بیشتر است، آیا نمی‌توان فرض کرد که دانشگاه آزاد اسلامی نیازها، توقعات و انتظارات داوطلبان را بیشتر برآورده می‌کند؟

از طرفی می‌توان نتیجه گرفت که ایجاد و توسعه مؤسسات غیردولتی-غیرانتفاعی در کشور بطور متوازن و مبتنی بر الگوی خاصی صورت نپذیرفته است، بطوریکه در

۲. از ۱۷۳۳۶۸ دانشجوی شاغل به تحصیل در این مؤسسات تعداد ۶۹۸۷۶ نفر (معادل ۴۰ درصد) در مقطع کاردانی، ۵۲۴۳۲ نفر (معادل ۳۰ درصد) در مقطع کارشناسی پیوسته، ۴۵۴۳۸ نفر (معادل ۲۶ درصد) در مقطع کارشناسی ناپیوسته، ۵۲۲۰ نفر (معادل ۳ درصد) در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۲۹ نفر (معادل ۱ درصد) در مقطع دکتری تخصصی بوده‌اند.

بعضی از مناطق و استانهای کشور با تراکم بیش از حد و در پاره‌ای از استانها با عدم وجود این مؤسسات مواجهیم؛ که این امر سبب شده تا مؤسسات مذکور نتوانند به درستی رسالت و مأموریت‌های خود را در جذب و تربیت نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز جامعه به انجام رسانند و درصد قابل توجهی از ظرفیت و قابلیت‌های ایجاد شده در آنها بلااستفاده مانده است.

شایان ذکر است، علی‌رغم وجود این مؤسسات در اکثر استان‌های کشور، تعداد آنها در استان‌های محرومی چون چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی و کردستان برابر صفر بوده و در سایر استانهای محروم دیگر مانند ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان شمالی و هرمزگان برابر حداکثر ۲ مؤسسه می‌باشد؛ که لازم است به منظور تحقق سیاست‌های مندرج در مصوبه ۵۴۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر اولویت دادن به مناطق و استان‌های محروم کشور و نیز تأکید بر سیاست جذب گزینش دانشجوی بومی، وزارت علوم اهتمام بیشتری برای تأسیس این مؤسسات در استان‌های محروم کشور داشته باشد.

پیشنهادات

به منظور بهبود وضعیت مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی پیشنهاداتی ارائه می‌شود.

در نظر گرفتن سیاست‌های تشویقی برای مؤسساتی که می‌خواهند در مناطق محروم، استان‌ها و شهرهای فاقد مؤسسه آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی تأسیس شوند و فراهم نمودن بسترهای مناسب برای انتقال مؤسسات دایری که می‌خواهند به این مناطق انتقال یابند تا توسعه متوازن این مؤسسات در کشور رخ دهد. این امر لازم است با ارزیابی جدی از کیفیت فعالیت‌های آنها صورت گیرد.

لازم است دولت در ایجاد و توسعه سایر مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی در کشور بر اساس طرح آمایش سرزمین، متناسب با ظرفیت‌های منطقه‌ای عمل نماید و در صورت امکان زمینه را برای انتقال تعدادی از مؤسسات به سایر مناطق کشور که نیازمند وجود چنین مؤسساتی هستند، فراهم نماید.

باید رسالت این مؤسسات را بطور دقیق‌تری تبیین شود، بر این اساس که آیا این

مؤسسات قرار است رویکردی عرضه محور داشته باشند، یعنی صرفاً آموزش عالی را در کشور عرضه کنند، یا تقاضا محور یعنی براساس تقاضای اجتماعی این مؤسسات ایجاد شده و هدفمند و متناسب با نیازهای جامعه برنامه‌ریزی شده و رشته‌های تحصیلی مورد نیاز بازار کار در آنها ایجاد شود و یا رویکردی توأم برای آنها در نظر گرفته می‌شود.

دولت تصدی‌گری خود را در این مؤسسات کاهش دهد و اجازه دهد که هیئت امنای آنها برای آینده برنامه‌ریزی نمایند. این مؤسسات باید در تعیین میزان شهریه و ایجاد رشته‌های تحصیلی، با رویکردی رقابتی و با در نظر گرفتن مشخصه‌های محلی و منطقه‌ای خود آزادی عمل بیشتری داشته باشند. لازم است دولت نقش حمایتی خود را در مناطق محروم ایفا کند.

مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی برای تضمین کیفیت خود لازم است هنگام تأسیس، حداقل استانداردهای لازم را از نظر فضاهای آموزشی، کارگاهی، آزمایشگاهی، سایت کامپیوتری، زمینهای ورزشی و ... تأمین نموده و سعی در گسترش و بهینه‌سازی آنها در طی سالهای بعدی داشته باشند تا دانشجویان علاقه‌مندی بیشتری برای تحصیل در این مؤسسات از خود نشان داده و تمام ظرفیتهای پیش‌بینی شده برای آنها تکمیل شود.

این مؤسسات باید کوشش کنند که بر منابع مالی متعددی متکی باشند و نباید فقط بر شهریه دریافتی از دانشجویان اکتفا نمایند. مثلاً با ایجاد یک رابطه علمی و پژوهشی با صنایع و واحدهای تولیدی مستقر در منطقه، از امکانات فیزیکی و منابع مالی آنها بهره‌مند شوند که این امر نیازمند توانمندی علمی پژوهشی چنین مؤسساتی است.

منابع

- پروند، شادان؛ نورآذر، علی (۱۳۸۳). "نظام آموزش عالی ترکیه". *دایره‌المعارف آموزش عالی*، جلد دوم. ص ۹۵۷-۹۵۰
- جاودانی، حمید (۱۳۸۳). "نظام آموزش عالی تونس". *دایره‌المعارف آموزش عالی*، جلد دوم. ص ۹۶۴-۹۵۷
- جعفری، پریوش (۱۳۸۳). "نظام آموزش عالی سنگاپور". *دایره‌المعارف آموزش عالی*، لد دوم. ص ۱۰۲۰-۱۰۱۲
- جعفری، پریوش (۱۳۸۳). "نظام آموزش عالی هند". *دایره‌المعارف آموزش عالی*، جلد دوم. ص ۱۱۸۴-۱۱۷۴
- جعفر صمیمی، احمد و سید محسن حسینی و نصرت‌ا... غلامی‌فرد (۱۳۸۷). "تعیین مزیت نسبی ارزش افزوده فعالیت اقتصادی آموزش عالی در استان‌های کشور"، مجموعه مقاله‌های همایش ملی نظارت و ارزیابی آموزش عالی، جلد اول ص ۳۲۸-۳۰۵.
- حیدری عبدی، احمد (۱۳۸۳). "نظام آموزش عالی کره جنوبی". *دایره‌المعارف آموزش عالی*، جلد دوم. ص ۱۰۹۷-۱۰۹۱
- رشادت جو، حمیده (۱۳۸۳). "نظام آموزش عالی پاکستان". *دایره‌المعارف آموزش عالی*، جلد دوم. ص ۹۳۵-۹۲۸
- سازمان سنجش آموزش کشور، دفترچه‌های آزمون سراسری، کاردانی به کارشناسی و کارشناسی ارشد، سالهای ۸۳ و ۸۸
- سایت مرکز آمار ایران: <http://www.amar.org.ir>
- سایت سازمان سنجش آموزش کشور: <http://www.sanjesh.org>
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبات در خصوص مؤسسات آموزش عالی غیردولتی- غیرانتفاعی
- شورای گسترش آموزش عالی، مصوبات در خصوص مؤسسات آموزش عالی غیردولتی- غیرانتفاعی
- عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۸). "تأمین مالی آموزش عالی جایگاه دولت و بخش خصوصی"، *رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی*، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، به اهتمام محمد دوزی یمینی سرخابی.
- فاضلی، عصمت (۱۳۸۳). "نظام آموزش عالی اندونزی". *دایره‌المعارف آموزش عالی*، جلد

دوم.ص ۸۲۱-۸۱۶

کاظم‌نژاد، انوشیروان (۱۳۷۶)، بررسی تطبیقی روند تأسیس مؤسسات آموزش عالی خصوصی در ایران و جهان (طرح پژوهشی)، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، معاونت آموزشی، دفتر آموزشهای آزاد، ۱۳۷۶.

محمدی، رضا؛ فتح‌آبادی، جلیل؛ یادگارزاده، غلامرضا؛ میرزامحمدی، محمدحسن و پزند، کوروش (۱۳۸۶). "ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی". تهران: سازمان سنجش آموزش کشور.

مجتهد، احمد (۱۳۸۸). ارزیابی توسعه آموزش عالی در ایران با توجه به توسعه رشته اقتصاد و نقش آن در توسعه ملی کشور، از توسعه علمی تا توسعه ملی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، به اهتمام بیژن لطیف.

یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۷۸)؛ "پژوهش‌های دانشگاهی یا دانشگاه‌های پژوهشی"، فصلنامه پژوهشی تربیتی، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، ص ۵۸-۳۵.

یمنی دوزی سرخابی، محمد؛ ترکزاده، جعفر (۱۳۸۸). بررسی وضعیت برنامه‌ریزی توسعه دانشگاه‌های دولتی در ایران. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۸۸.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، (۱۳۸۸) آیین‌نامه تلاش، گزارش فعالیت چهار ساله.

Sanyal, B. C.(2005), *Trade in Higher Education*, lecture organized by the Society of Economic and Educational Development (SEED), India, and the ministry of Human Resources Development, India, held at the Indian Institute of Technology, New Delhi, on 31 January.

Sanyal, B. C.& Martin, M.(2006), *Financing Higher Education: International Perspectives*, in *Higher Education in the World*, .

Barr, N.(2007), *Financing Higher Education: Lessons From Developed Economies, Options For Developing Economies*, Paper to be presented at World Bank, Regional Bank Conference on Development Economics Beijing 16-17 January.

OECD(2007), *Education at a Glance 2007*, OECD Indicators, Organization For Economic Co-Operation and Development, Paris.